

آرش رئیسی نژاد

شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه

ایران، کردهای عراق و شیعیان لبنان

۱۳۳۷-۱۳۵۷

ترجمه پریسا فرهادی



نشرنی

سرشناسه: رئیسی‌نژاد، آرش، ۱۳۶۳ - Reisinezhad, Arash, 1984 • عنوان و نام پدیدآور: شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه: ایران، کردهای عراق و شیعیان لبنان ۱۳۳۷-۱۳۵۷ / آرش رئیسی‌نژاد؛ ترجمه پریسا فرهادی. • مشخصات نشر: تهران: نشرنی، ۱۴۰۱ • نوبت چاپ: چاپ دوم، ۱۴۰۳ • مشخصات ظاهری: ۵۱۳ ص • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۵۳-۲ • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: عنوان اصلی: The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia, 2019 • یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۹۱] - ۵۰۱ همچنین به صورت زیرنویس. • موضوع: خاورمیانه - سیاست و حکومت - Middle East - Political violence • خشنونت سیاسی • Peace • itics and Government • دین و سیاست • Religion and politics • تروریسم • Terrorism • شناسه افزوده: فرهادی، پریسا، ۱۳۶۵ - مترجم. • رده‌بندی کنگره: DS۶۲۸ • رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۹۵۶ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۸۵۱۲۲

قیمت: ۳۸۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه
ایران، کردهای عراق و شیعیان لبنان
۱۳۵۷-۱۳۳۷

آرش رئیسی‌نژاد

مترجم: پریسا فرهادی

نماینده‌ساز: امیرحسین حیدری
صفحه‌آرا: اصغر قلی‌زاده

چاپ دوم: تهران، ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۵۳-۲

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هر گونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۳		اعلام اختصاری
۱۵		دیاچه
۱۹		فصل ۱: پیشگفتار
۳۱		فصل ۲: پیشران‌ها
۳۱		تهدیدها، فرصت‌ها و نهادها
۳۲		۱. تهدیدها
۳۳		خطر سرخ
۳۶		خطر عرب
۴۰		خطر کُرد
۴۵		خطر سیاه
۴۶		خطر فلسطین
۴۹		۲. فرصت‌ها
۵۰		ایالات متحده آمریکا، ماهیت «حاصل جمع صفر» جنگ سرد و دکترین نیکسون
۶۲		عقب‌نشینی بریتانیا از شرق سوئز
۶۶		اسرائیل و دکترین پیرامون

۶۹	۳. نهادهای
۷۰	شاه
۷۱	ساواک
۷۶	ارتش
۷۷	وزارت خارجه
۷۹	مرجعیت شیعی
۸۰	۴. نتیجه گیری
۱۸	فصل ۳: آغاز (پیش از ۱۹۵۸)
۸۱	۱. آغاز — کردهای عراق
۸۴	ملای سرخ و حزب دموکراتیک کردستان
۸۶	۲. آغاز — شیعیان لبنان
۸۶	شیعه جبل عامل
۹۱	سید پرچنده
۹۵	فصل ۴: آفرینش (۱۳۳۶-۱۳۴۱ / ۱۹۵۸-۱۹۶۳)
۹۵	۱. آفرینش — کردهای عراق
۹۵	کودتای ۱۹۵۸ عراق
۹۷	قاسم و کردها
۱۰۰	ساواک و برنامه «نجات عراق»
۱۰۴	عراق بی ثبات
۱۰۸	کشت بذر خیزش
۱۱۲	پیوندهای کُردی-اسرائیلی
۱۱۳	جنبش ایلول (۱۳۴۰/۱۹۶۱)
۱۱۷	ایرانی ها، آمریکایی ها و کردها
۱۱۹	کودتای رمضان ۱۹۶۳
۱۲۱	۲. آفرینش — شیعیان لبنان
۱۲۱	بان عربیسم و ارتباط تهران- بیروت
۱۲۳	کودتای ۱۹۵۸ عراق و «طرح سبز» ساواک
۱۲۵	صدر و تهران
۱۲۸	رهبر جوان

۱۳۵	فصل ۵: عروج (۱۹۶۳-۱۹۶۹).....
۱۳۵	۱. عروج — کردهای عراق.....
۱۳۵	نخستین رژیم بعث.....
۱۳۸	جان اف. کندی در برابر شاه.....
۱۴۱	نخستین جنگ بعث-کردی.....
۱۴۸	آتش‌بس فوریه ۱۹۶۴ بغداد و کردها.....
۱۵۰	جنگ داخلی کردی.....
۱۵۳	اتحاد عراق و مصر و فروپاشی آتش‌بس ۱۹۶۴.....
۱۵۶	شاه در برابر جانسون.....
۱۵۹	مثلت غیرعرب: ایران، اسرائیل و کردها.....
۱۶۳	بغداد لرزان.....
۱۶۷	ایران، شیعیان عراقی و حزب بعث.....
۱۶۹	سال‌های دگرگونی ۱۹۶۷-۱۹۶۹.....
۱۷۰	۲. عروج — شیعیان لبنانی.....
۱۷۰	نخستین تنش.....
۱۷۳	آوازه امام صدر.....
۱۸۱	فصل ۶: برزخ (۱۹۶۸-۱۹۷۳).....
۱۸۱	۱. برزخ — کردهای عراق.....
۱۸۱	کودتای بعث ۱۳۴۷ (۱۹۶۸).....
۱۸۳	بحران ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) اروندرود.....
۱۹۰	کودتای ناموفق.....
۱۹۴	توافق اسفند ۱۳۴۸ (مارس ۱۹۷۰).....
۱۹۷	روابط بغداد و مسکو و زبان جنگ سرد شاه.....
۲۰۰	دودلی آمریکایی.....
۲۰۴	نشست ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) تهران.....
۲۱۰	همکاری سه‌جانبه در کردستان عراق.....
۲۱۲	دودلی شاه.....
۲۱۶	جنگ اکتبر و خیزش خطر عراقی.....
۲۱۷	۲. برزخ — شیعیان لبنان.....

۲۱۸	جنگ شش روزه و فروپاشی ناصریسم
۲۱۹	مجلس اعلای شیعیان لبنان
۲۲۳	مسئله فلسطین
۲۲۷	صدر و رژیم های عربی
۲۳۸	بختیار و صدر
۲۴۰	انقلابیون در ایران
۲۵۲	سفری بحث برانگیز
۲۶۲	دونل قدر با صدر
۲۷۱	فصل ۷: هبوط (۱۳۵۲-۱۳۵۶/۱۹۷۳-۱۹۷۷)
۲۷۱	۱. هبوط — کردهای عراق
۲۷۱	دیپلماسی رفت و برگشتی
۲۷۴	نقض توافقنامه اسفند ۱۳۴۸ (مارس ۱۹۷۰)
۲۷۸	واپسین نبرد
۲۸۲	مقدمه چینی برای بدهستان بزرگ
۲۹۰	قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر
۲۹۸	خیانت یا ضرورت؟
۳۰۲	۲. هبوط — شیعیان لبنان
۳۰۲	کارزار ضد صدر
۳۰۴	صدر، امام خمینی و انقلابیون اسلام گرا
۳۲۰	تشدید دشمنی
۳۲۵	جنبش محرومین و آمل
۶۳۳	جنگ داخلی ۱۹۷۵ لبنان
۳۴۸	تنهایی سید
۳۵۳	شیرازی علیه صدر
۳۶۳	واپسین تصمیم
۳۶۶	صدر تندرو
۳۷۷	فصل ۸: رستاخیز؟ (۱۳۵۶-۱۳۵۷/۱۹۷۷-۱۹۷۹)
۳۷۷	۱. رستاخیز — کردهای عراق
۳۷۷	خطای استراتژیک یا ضرورت استراتژیک؟

۳۸۴		واپسین تلاش‌ها در واپسین روزها
۳۸۷		۲. رستاخیز؟ — شیعیان لبنان
۳۸۷		امواج انقلاب اسلامی
۳۹۰		سفر رازآمیز
۴۰۵		بده‌بستان شاه و صدر؟
۴۰۹		انقلابیون و ناپدیدشدن صدر
۴۲۱		جست‌وجوی انقلابیون
۴۲۵		واپسین امید شاه
۴۲۸		پایانی رازآمیز
۴۳۳		فصل ۹: سیاست خارجی غیردولتی ایران و میراث شاه
۴۸۷		منابع و کتاب‌شناسی
۴۸۷		مجموعه‌های بایگانی
۴۹۷		نمایه

دیباچه

پیوندهای استراتژیک ایران با گروه‌های غیردولتی، در کنار تنش با ایالات متحده آمریکا، مهم‌ترین بخش از سیاست خارجی ایران دوران معاصر بوده است. بخش مهمی از سیاست خارجی امروزین ایران در منطقه خاورمیانه با حمایت این کشور از گروه‌های غیردولتی، مانند حزب الله، حماس، گروه‌های شیعی عراقی و جوئی‌های یمنی، درهم تنیده شده است. چنین درهم تنیدگی پیچیده‌ای پویایی و سیر سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی ایران را تحت الشعاع قرار داده است. با وجود چنین جایگاه پراهمیتی، نوشته‌های اندکی را می‌توان در مورد این پیوندهای استراتژیک یافت. مهم‌تر آن‌که، همه این نوشته‌ها — بدون استثنا — ریشه و آغاز سیاست ایران در پشتیبانی از چنین گروه‌های غیردولتی منطقه‌ای را در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ می‌جویند. گرچه دولت انقلابی ایران نقشی بسیار مهم در شکل‌دهی به این پیوندها داشته است، اما تاریخ «واقعی» — آن‌چه که روی داده است — نشان می‌دهد که ایران در میانه سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۵۷ (۱۹۵۸ و ۱۹۷۹) برای نخستین بار پیوندهایی استراتژیک را با کردهای عراقی و شیعیان لبنانی برقرار کرد. این کتاب روایتی است دست‌اول از چگونگی پشتیبانی ایران از این دو گروه برای نگاهداشت امنیت ملی، یکپارچگی سرزمینی ایران، و مهار دشمنان خود.

کتاب پیش‌رو بر درهم‌تنیدگی سیاست خارجی ایران با تاریخ و جغرافیای ویژه این کشور متمرکز است. با دیدگاهی استعاری، همه شاخه‌های علوم اجتماعی، به‌ویژه سیاست و روابط بین‌الملل، دانش شناخت «رودخانه» بوده است! رودخانه‌هایی را تصور کنید که در سیر خود، گاه با جریانی آرام و گاه تند، با پیچ‌وتاب‌هایی روبه‌رو می‌شوند. در جایی، دو یا چند شاخه می‌شوند و در جای دیگر، به سایر رودخانه‌ها می‌پیوندند. زمانی با آشناری روبه‌رو می‌شوند و زمانی دیگر به دریا می‌ریزند و یا در بیابانی از دیده‌ها پنهان می‌گردند. رودخانه‌ها را می‌توان از چشم‌اندازهای گوناگونی دید و واریسی کرد. می‌توان در آن‌ها شناور شد و می‌توان در ژرفای آن‌ها مستغرق گشت. می‌توان بر لب کرانه ایستاد و به نظاره رودخانه‌ها ایستاد. می‌توان بر بالای بلندی رفت و بدانها نگرست. حتی می‌توان از دل آسمان به رودخانه‌ها خیره شد. از چشم‌اندازهای گونه‌گون با ابزارهای بی‌شماری می‌توان به واریسی رودخانه‌ها پرداخت. می‌توان از دبی سنج و ابزار غواصی بهره جست و دوربین‌هایی با توان‌های متفاوت به کار برد.

حتی می‌توان با استفاده از هوایما و بالگرد از بالا به رودخانه‌ها نگریست. در این استعاره رودخانه‌ها خود دولت‌ها و ملت‌هایی هستند که در درازنای تاریخ با رخدادهای فراوانی روبه‌رو گشته‌اند. گاه از رویدادهایی بی‌شمار — پیچ‌وتاب، آبشار، انشعاب و ناپدیدشدن در ریگزارها — جان‌به‌در برده‌اند و گاه دگر، تاب‌پایداری در برابر آنان را نداشته‌اند. چشم‌اندازها نیز به شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی اشاره دارند: اگر از بالا به رودخانه‌ها نگریسته شود، می‌توان چشم‌انداز روابط بین‌الملل اختیار کرد؛ اگر از کرانه آب بدانان نگریست، می‌توان آن را جامعه‌شناسی نامید؛ و اگر در درون آب غوطه‌ور گردیم، موضع روان‌شناسی را برگزیده‌ایم. ابزارها نیز تئوری‌های در دسترس هستند؛ تئوری‌هایی که برای بیننده دیدی علی‌فراهم می‌کنند. گرچه چشم‌اندازها و ابزارها — به سنجی دیگر، رشته‌ها و تئوری‌های علوم اجتماعی — از اهمیت بسیاری در واری و رسی رودخانه‌ها برخوردارند، با این حال، همگی اولییتی درجه‌دوم دارند. اما آن‌چه نهایتاً در بررسی این رودخانه‌ها مهم خواهد بود دو بخش سازنده و وجودی رودخانه است: «جریان آب رودخانه» و «بستر رودخانه». جریان آب رودخانه، تاریخ است و بستر آن، جغرافیا. این همه نشان‌دهنده آن است که سخن‌گفتن از دانش سیاست، تحلیل‌های سیاسی و راهکارهای شفاف‌بخش بدون آشنایی دقیق و کامل با تاریخ و جغرافیا تلاشی است ناتمام و ابتر. هم از این رو، کتاب پیش‌رو اهمیت تاریخ و جغرافیا را در کنار شخصیت‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران، به تصویر می‌کشد.

گذشته از این، مهم‌ترین مشکل و نقصان در نوشته‌های کنونی دربارهٔ سیاست خارجی و داخلی ایران، افتادن در دام «کنونی‌گرایی»^۱ است. کنونی‌گرایی به ایده‌ای اشاره دارد که گذشته را از چشم‌انداز اکنون تفسیر و تبیین می‌کند. به گفتهٔ دیوید هاکت فیسر، کنونی‌گرایی به گذشته نه بر اساس زمینهٔ تاریخی آن، بلکه بر پایهٔ زمانهٔ کنونی می‌نگرد و به تحلیل می‌پردازد. بدین‌آن‌که، بر پایهٔ چنین تحلیل و تبیین‌های کنونی‌گرا در مورد گذشته قضاوت می‌شود. مشکل کنونی‌گرایی را بیش از همه می‌توان در نوشته‌هایی در مورد ایران دوران پیش از انقلاب اسلامی یافت. فارغ از درستی و یا نادرستی، نقص این نوشته‌ها ریشه در مشکل کنونی‌گرایی دارد که نویسندگان، تحلیلگران، یا سیاستمداران را وادار به تفسیر و قضاوت دوران پهلوی می‌کنند، آن هم با عینک کنونی‌گرایی. برای رهایی از این دام همه‌جاگستر، و برخلاف قاطبهٔ کتاب‌ها و تحلیل‌های رایج، رئیسی نژاد کوشیده است تا وراي آن‌چه در پهنهٔ سیاست، اقتصاد و اجتماع ایران کنونی می‌گذرد، تنها به رویدادهایی که در بخشی از دوران محمدرضا شاه پهلوی، نه پیش و نه پس از آن، رخ داده است اهمیت دهد. از این رو، کتاب پیش‌رو بیش از پیش بر منابع دست‌اول، اسناد تاریخی و به‌ویژه آن‌هایی که به تازگی در دسترس پژوهشگران قرار گرفته‌اند تمرکز کرده است. در این میان، می‌باید از مشکل دیگری یاد کرد که در میان تحلیلگران ایرانی دانش سیاست رواج

1. Presentism

2. David Hackett Fischer, *Historians' Fallacies: Toward a Logic of Historical Thought* (Harper & Row Publishers, 1972).

یافته است: قضاوت کردن. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی در ایران امروز، از دانش سیاست و روابط بین الملل گرفته تا تاریخ و جامعه‌شناسی، همگی به داوری کردن — خوب یا بدنامیدن — رخدادها مشغول‌اند. حال آن‌که، تفاوت اندیشمندان علوم اجتماعی با دیگران را می‌باید در این امر دید: اندیشمندان واقعی علوم اجتماعی خود را درگیر داوری دربارهٔ رخدادهای گذشته نمی‌کند. در عوض، می‌کوشد تا از طریق اتخاذ موضعی خنثی، به علل برآمدن این رخدادها نظر افکند. چنین نظرگاهی به دنبال داوری کردن در مورد آن‌چه در دوران ایران پهلوی رخ داده است، نیست، بلکه به روایت چرایی و چگونگی آن چیزی می‌پردازد که در میانهٔ سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۵۷ رخ داده است. به بیان دیگر، نگارنده به هیچ روی بر سر علل برآمدن این پیوندها به داوری نمی‌نشیند. تنها به دنبال تبیین و تحلیل آن است. خوب یا بد، شاه در برهه‌ای تاریخی و بنا به عللی، از کردهای عراقی و شیعیان لبنانی پشتیبانی کرد و باز بنا به دیگر علل، دست از حمایت آنان شست. چه خواننده دوست داشته باشد و چه نداشته باشد، این قبیل پشتیبانی‌های استراتژیک آغاز و سپس متوقف شده است. اما رئیسی‌نژاد موضعی خنثی اختیار می‌کند و تنها تاریخی علی را روایت می‌کند. از این رو، نگارنده با برخورداری از چنین دیدگاه خنثایی، به سه پرسش پی‌درپی می‌پردازد: چرا شاه از گروه کردهای عراقی و شیعیان لبنانی حمایت کرد؟ چگونه شاه از گروه کردهای عراقی و شیعیان لبنانی حمایت کرد؟ حمایت شاه از گروه کردهای عراقی و شیعیان لبنانی چه پیامدهایی داشت؟

گذشته از مسئله نگاه بحث‌برانگیز به دوران شاه، رئیسی‌نژاد آگاه است که مسئله پیوندهای استراتژیک با گروه‌های غیردولتی در ایران کنونی امری مورد بحث در میان همهٔ گروه‌های سیاسی و اجتماعی است. کتاب به هیچ روی به دوران ایران پس از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نمی‌پردازد. مهم‌تر این‌که، آگاهی از اهمیت پیوندهای استراتژیک با گروه‌های غیردولتی در پهنه سیاست و اجتماع ایران کنونی نگارنده را به اتخاذ موضعی سیاسی وادار می‌کند. برعکس، یگانه‌هدف این کتاب پاسخ به این پرسش بنیادین است که — ورای خوب یا بدبودن آن — «چرا، چگونه و با چه پیامدهایی یک فرمانروای ایرانی — در این‌جا، محمدرضا شاه پهلوی — پیوندهایی استراتژیک را با گروه‌های غیردولتی در خاورمیانه بنیان گذارد.»

کتاب پیش‌روی خوانندگان حاصل ترجمه کتاب رئیسی‌نژاد با عنوان

The Shah of Iran, the Iraqi Kurds and the Lebanese Shia

است که در ژوئن ۲۰۱۸ (تابستان ۱۳۹۷) از سوی انتشارات معتبر پالگرو-مک‌میلان (Palgrave-MacMillan) به چاپ رسیده است. حجم، گستره و گوناگونی اسنادی که از آن استفاده شده، نشان‌دهندهٔ دست‌اول بودن روایت کتاب پیش‌رو است. کمتر کتابی توانسته بدین حد اسناد دست‌اول از بایگانی‌های مهم در ایالات متحده آمریکا و ایران را گردآوری و مورد واکاوی قرار دهد. کتابی که برای نخستین بار روایتی نوین از سیاستِ ناگفته ایران در شطرنج قدرت در خاورمیانه را بیان می‌کند.